

مجد دین

خاطرات زندگانی عالم ربانی

آیت الله سید مجد الدین قاضی دزفولی

دکتر غلامعلی رجائی

www.ketab.ir

سرشناسه: رجائی، غلامعلی، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور: مجد دین: خاطرات زندگی عالم ربانی آیتاله
سید مجدالدین قاضی دزفولی / غلامعلی رجائی،
مشخصات نشر: تهران: نیلوفران، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری: ۴۲۸ ص: مصور.
شابک: ۶۵۰۰۰ ریال: ۵-۵۸-۵۵۱۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: قاضی دزفولی، سیدمجدالدین، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۴.
موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه
رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۳/۲۲۳/۳ BP۵۵
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۹۸
شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۹۹۱۵۰

www.ketab.ir



نام کتاب: مجد دین
تألیف: دکتر غلامعلی رجانی
انتشارات: نیلوفران
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
چاپخانه: بقیع
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰
ناظر: حامد عزیزی - ۹۱۲۱۵۱۹۱۳۳
قیمت: جلد شومیز ۸۵۰۰ تومان - گالینگور ۱۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۱۳-۵۸-۵

02144443162 09125497040 09161130561
www.niloofaran.com info@niloofaran.com

فهرست

۷	مقدمه حجت الاسلام والمسلمین سید محمدعلی قاضی دزفولی، امام جمعه دزفول
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۵	پیش درآمد
۲۱	قاضی به روایت خویش
۲۵	فصل اول: سادات قاضی
۳۳	فصل دوم: دوره جوانی و تحصیل و اساتید
۴۷	فصل سوم: دوران تدریس و مراتب علمی
۵۵	فصل چهارم: دوران مبارزه
۹۱	فصل پنجم: دوران دفاع مقدس
۱۲۹	فصل ششم: انس با قرآن
۱۳۷	فصل هفتم: معنویت
۱۵۹	فصل هشتم: کرامات معنوی
۱۶۷	فصل نهم: فضائل معنوی
۲۰۳	فصل دهم: ساده زیستی
۲۱۳	فصل یازدهم: قدرت حافظه
۲۲۳	فصل دوازدهم: مردم داری
۲۳۷	فصل سیزدهم: کمک به محرومین

۲۴۵	فصل چهاردهم: جوان گرایی
۲۵۱	فصل پانزدهم: اقدامات و خدمات
۲۸۷	فصل شانزدهم: ارتباط با محبوب - امام خمینی
۲۹۵	فصل هفدهم: ارتباط با مقام معظم رهبری
۳۰۳	فصل هجدهم: دیدگاه ها
۳۱۱	فصل نوزدهم: خطبه ها و نکته ها
۳۲۳	فصل بیستم: در آینه یادها
۳۷۸	فهرست اسامی راویان
۳۸۳	ضمیمه
۳۸۵	پیامهای تسلیت ارتحال
۳۹۱	نوحه در رثای آیت الله قاضی
۳۹۳	مصاحبه آیت اله قاضی در باره شهید سید هبث الله قاضی دزفولی
۳۹۶	وصیت نامه شهید سید هبث الله قاضی
۳۹۹	تصاویر و اسناد

بسم الله الرحمن الرحيم

لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم ويعلمهم
الكتاب والحكمة و إن كانوا من قبل لفى ضلال مبين.

در دوران دفاع مقدس با این احتمال که شاید شهادت از کوچه ما هم عبور کند، چند بار دست
به قلم شدم. اولین چیزی که ذهن مرا متوجه خود کرد، امام راحل(ره) بود. تصویری که از امام(ره)
داشتیم این بود که ظرف عمر من در هنگامی است که نتوانسته‌ام پیامبر(ص) و معصومین(ع) را درک
کنم ولی همواره این مسئله ذهنم را مشغول می‌کرد که سیره و منش معصومین(ع) چگونه بوده است
و همین اندیشه و فکر مرا وادار کرد قلم را بر صفحه کاغذ به حرکت درآورم و به واسطه اینکه در عصر
امام زندگی می‌کنم خویشتن را چنین تسلی دهم که اگر چه از درک معصومین(ع) محروم شدم اما لکن
خدای متعال این موهبت را به من داده تا در زمانی تنفس کنم که امام راحل(ره) نفس مسیحایی دارد.
وقتی در وصیت نامه شهدا مطالعه کردم دریافتم، اکثریت قریب به اتفاق آنان به گونه‌ای متناسب با
سطح درک و معرفتشان، نام مبارک امام(ره) را در وصیت نامه‌های خود ذکر کرده و شاه بیت بسیاری
از وصیت نامه‌های شهدا در باره ایشان است.

در بهمن ماه سال ۱۳۶۴ که عالم ربانی آیت الله سیدمجدالدین قاضی دزفولی به ملکوت اعلی
پیوست. جوانی ۲۴ ساله بودم و تجربه‌ام از زندگی و شناخت افراد اندک بود؛ ولی هرچه می‌گذرد
این را بیشتر در می‌یابم که امام ذوب در اسلام، قرآن، پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بود و نور خدا به

واسطه پیامبر(ص) و اهل بیت (ع)، و فنا شدن عبد صالح خدا، یعنی امام تجلی یافته و این موهبت الهی وقتی برایم ملموس تر شد که خود را در دامان و کنف حمایت و تربیت بنده شایسته خدا مرحوم آقا سیدمجدالدین رضوان الله علیه دیدم، هر چند سال های آخر عمر آن بزرگ مرد با هیجانات و شور جوانی دوران نهضت و دفاع مقدس همراه بود لیکن هنوز که هنوز است هر وقت آن لحظات را به خاطر می آورم چنان روح و روانم به وجد می آید که تا مدت ها اثر تداعی خاطرات را در خود حس می کنم. احساس می کردم در جان مرحوم آقا سید مجدالدین (ره) همچون مرشد و مراد خود، امام راحل(ره)، نور الهی تابیده و وجودش را یکپارچه نور، صفا، پاکی و طهارت فرا گرفته است.

هرچه انسان، بیشتر با او قرین و همنشین می شد بیشتر در می یافت که در این عالم پاک، بی آلایش و وارسته همچون اجداد طاهرینش که رجس و پلیدی از آنان دور گردیده، ذره ای منیت راه ندارد و او حقیقتاً در زمره بندگان خالص الهی که خداوند از آنان با نفس مطمئنه یاد می کند، قرار دارد.

سیره او همچون سیره جدش رسول خدا(ص) بود. هیچ گاه نسبت به وضعیت و شرایطی که داشت مباحثات نمی کرد. همین احساس صفا و روحانیت بود که مسئولین بلند پایه مملکتی به حضورش می شتافتند و با شوقی وافر پشت سر او نماز می خواندند. هنگامی که خشمگین می شد ذره ای هوای نفس در کار او نبود، خشم او فقط و فقط برای خدا بود و درست به همین جهت وقتی در خطبه های نماز جمعه، از مسئولین بلند پایه مملکت بدون ذکر القاب متداولشان با شدت انتقاد می کرد، نه تنها کسی از او دلگیر نمی شد بلکه بر ارادت و احترام آنان نسبت به ایشان افزوده می شد.

در استفاده از وجوه شرعیه بسیار اهل احتیاط بود، با اینکه وجوهات زیادی به دستش می رسید، گاهی برای امور شخصی از بعضی نمازگزاران مسجد خود قرض می گرفت. به مصداق اشداء علی الکفار و رحماء بینهم، در مقابل اقل مسلمانان منعطف و رحیم بود و در مقابل دشمنان اسلام و ایران همانند شیر می غرید.

آن هنگام که هیئتی از سازمان ملل برای بازدید از محل اصابت موشک ها به دزفول آمده و با ایشان دیدار داشتند، با صلابت و شهامت تمام بر آنان خروشید و جنایات صدام را که به پشتوانه شرق و غرب صورت می گرفت به آنان گوشزد کرد و به مترجم تذکر داد هر آنچه را گفته است برای آنان ترجمه

نماید و لحن تند ادای جملات و گفتارش را تغییر ندهد.

در عین حال در فضای خانواده و اقوام و خویشاوندان، آن چنان عطف و مهربان بود که همه افراد خانواده، کوچک و بزرگ، دور و نزدیک، هر درخواستی داشتند طلبکارانه از او طلب می کردند و ایشان با خوش رویی، مهربانی، حلم و بردباری در حد توان، خواسته های آنان را اجابت می کرد.

در برابر جوانان که از روحیه ای تند برخوردار بودند با صبر و حوصله و متانت برخورد می کرد. هیچ وقت به یاد ندارم در مقابل تندروی های جوانان، اندکی بی صبری از خود نشان دهد و با رفتاری با منطق، متانت و ادب با آنان رفتار می کرد.

با همان حلم پیامبرگونه اش از اقربا تفقد می کرد و دل آنان را به دست می آورد. هر چه بیشتر مردم و مسئولین و رزمندگان به او احترام می کردند بر تواضع و فروتنی اش در مقابل مردم افزوده می شد.

با اینکه نسبت به همه حسن ظن داشت؛ ولی مراقب بود کسی در درخواستی که از او می کند از موقعیتش به نفع خود سوء استفاده نکند.

مرحوم پدرم، حاج آقا سید نعمت الله - رحمه الله علیه - که داماد و مشاور و کمک کار ایشان بود می گفت: عمویم (آیت الله قاضی) همه وجودش، حسن ظن است.

اگر اسلام نابی که امام راحل (ره) می فرمود، فقط یک آقا سید مجدالدین را پرورش می داد برای ایمان قلبی من به اسلام کافی بود. او حقیقتاً مجد دین بود.

مجموعه ای که پیش روی شما خوانندگان محترم است با تلاش و زحمات فاضل ارجمند، جناب آقای دکتر غلامعلی رجائی، دام عزه، و جناب آقای سید حبیب حبیب پور، ایده الله تعالی، و دیگر عزیزانی که همکاری کرده اند تهیه و تدوین شده است.

اینجانب ضمن تقدیر و تشکر از همه عزیزانی که در معرفی این شخصیت برجسته به نسل های بعد تلاش کرده و می کنند، متذکر می شوم: هر کس از زاویه دید و منظر خود گوشه ای از شخصیت حضرت آقا را بیان کرده است. امید که توانسته باشیم فرزندی از فرزندان اسلام و شیعه امیرالمومنین (ع) و پرورش یافته ای از مکتب اهل بیت عصمت و طهارت را آن گونه که شایسته اوست، معرفی کرده

باشیم.

متذکر می‌شود، چون این احتمال وجود دارد عده ای از معظم له، خاطرات، مطالب و عکس‌هایی داشته باشند که به دست ما نرسیده باشد، چنانچه توفیق یار باشد امکان ثبت و درج این گونه اسناد در چاپ بعدی این اثر وجود دارد.

عاش سعیدا و مات سعیدا و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سید محمدعلی قاضی دزفولی

www.ketab.ir

مقدمه مؤلف

سال‌ها به دلیل بار دینی که بر دوشم سنگینی می‌کرد و نیز به لحاظ احساس مسئولیت تاریخی خود در قبال تاریخ شهر دارالمؤمنین دزفول - که در سده‌هایی نه چندان دور، گوهر تابناکی چون شیخ اعظم شیخ مرتضی انصاری را به عالم اسلام و انسانیت هدیه کرده است، بر آن شدم تا تفوین سیره زندگی درخشان و نورانی مرحوم حضرت آیت الله سیدمحمدالدین قاضی دزفولی نماینده امام (ره) و امام جمعه دزفول و از علمای بزرگ و اثرگذار دهه‌های اخیر در دزفول را سر لوحه کار قرار دهم و در آیینۀ خاطرات، در حد توان، اندکی از فضائل بی‌شمار این چهره تابناک عالم علم و عمل و دین و فقاقت و جهاد و مبارزه و برخوردار از فضایل برجسته و سجایای عالی را به تاریخ و مردمی که از صمیم دل به او عشق می‌ورزیدند و در سیمای تابناکش نور خدا را به نظاره می‌نشستند، بویژه به نسل جوانی که توفیق درک فیض حضور او را کمتر یافته اند، پیشنهاد کنم.

از ابتدای این کار که با بیش از بیست و سه سال فاصله از زمان ارتحال آن مرد بزرگ با تنگناها و سختی‌ها و برخی محدودیت‌ها صورت گرفت، از مشورت و مساعدت سبط گرامی آن مرحوم، جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای سید محمدعلی قاضی دزفولی و بعدها برادر ارجمندش سید ماجد قاضی دزفولی برخوردار شدم، که اگر نبود مساعدت‌های گاه و بی‌گاه ایشان، این مجموعه که در مدتی نزدیک به دو سال فراهم آمد، توفیق نشر نمی‌یافت.

از همان بدایت امر، برادر ادیب و ارجمندم جناب آقای سیدحبیب حبیب پور که در شکل‌گیری این مجموعه قدم به قدم با من همراه بود، مسئولیت گروه‌های مصاحبه، جمع‌آوری خاطرات در دزفول، اهواز، قم و تهران را بر عهده گرفت و مطالب ضبط شده را پیاده و بازنویسی کردند، بر خود

لازم می‌دانم از زحمات بی‌بدیل و مستمر ایشان در شکل‌گیری این مجموعه بسیار سپاس‌مند باشم. این مجموعه به حیث برخی مساعدت‌های در پی، مرهون لطف و بزرگواری سرور ارجمند، جناب آقای مهندس غلامرضا فروزش است. تلاش مفید ایشان در برخی مساعدت‌ها و به دست آوردن دست‌نوشته‌های بعضی از شخصیت‌های سیاسی بر کیفیت و ارتقای این اثر افزوده است.

برادر و صدیق ارجمندم، جناب آقای سید نورالدین قاضی زاده که از سادات شریف و مکرم قاضی است نیز از ابتدا و در ادامه کار نقش مفید و کمک موثر و شایسته تقدیری در شکل‌گیری این مجموعه داشته است، که از زحمات ایشان سپاسگزارم.

جناب آقای سید حسن عیسی زاده که افتخار وابستگی به سادات شریف قاضی را دارد، در پیاده کردن و تلخیص و گزیده‌نویسی نوار خطبه‌های جمعه مرحوم آیت‌الله قاضی مددکار این مجموعه بوده که از زحمات شایسته ایشان تقدیر می‌کنم.

در خاتمه کار، برادر ادیب و ارجمندم جناب آقای عبدالرحیم سعیدی راد، زحمت بازخوانی و تصحیح متن را پذیرا شدند و در این زمینه تلاش ارزنده و شایسته ای مبذول داشتند که از تلاش خالصانه ایشان بسیار تجلیل می‌نمایم.

در واپسین روزهایی که این اثر برای چاپ آماده می‌شد، مجاهد نستوه، آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، در اثبات ارادت که به حضرت آیت‌الله قاضی داشتند، با ارایه مقدمه ای زیبا و رسا بر این مجموعه منت نهادند، که از عنایت حضرت ایشان بسیار سپاسگزارم.

در طول این جستار، از بعضی اشخاص، که در دوره مسئولیت خود در دزفول، از عنایات و ارشادات و مدد و الطاف مرحوم آیت‌الله قاضی برخوردار بوده‌اند و ناگفته‌های آنان در باره آن عزیز برغنای این مجموعه می‌افزود، خواسته شد خاطرات خود را در اختیار این مجموعه قرار دهند، اما مع الاسف با وجود حق بزرگی که معظم له بر گردن آنان داشته و دارد و به رغم هماهنگی‌های مکرر و قول و قرارهای مستمر، از مشارکت آنان در این اثر بی‌بهره ماندم.

از کمبودهای این مجموعه، فقدان خاطرات برخی شخصیت‌های روحانی محلی معاصر و مرتبط با

مرحوم آیت الله قاضی، نظیر مرحوم آیت الله سید محمد نبوی، بویژه عالم مبارز و قدر ناشناخته، جناب حجت الاسلام المسلمین سید مصطفی فارغ و... است که متأسفانه به رغم پی گیری های فراوان، این اثر از خاطرات ارزشمند ایشان محروم ماند.

در پایان لازم می دانم از تمامی کسانی که خاطرات، اسناد، تصاویر و... خود را به این مجموعه تقدیم کردند، بویژه بستگان، خویشاوندان و اشخاص مرتبط با سادات معزز قاضی و مریدان و ارادتمندان و شاگردان حضرتش در دزفول، اندیمشک، همدان، شوش، اهواز، قم، مشهد، تهران، کرج و... همچنین موسسه فرهنگی دزفول شناسی بویژه جناب آقای محمدحسین حکمت فر- که پیش درآمد و نسب سادات قاضی محصول زحمات ایشان است - و آقایان، روشن سلیمانی، علی صالحی، محمدحسن ژولاپور و سعید عنبرسر که در انجام مصاحبه ها و ضبط خاطرات راویان، همکاری و تلاش ارزنده ای داشته اند و جناب آقای غلامرضا درکتانیان که گزیده خاطرات چندی از فعالین سیاسی دزفول را در اختیار این مجموعه گذاشته اند، و نیز خواهر ارجمند، معصومه فیاض که با دقت و اخلاص تمام زحمت حروفچینی این مجموعه را برعهده داشته اند و از ناشر ارجمند جناب آقای عبدالرضا سالمی نژاد که با همت ایشان این مجموعه به زیور نشر آراسته شد صمیمانه تشکر و قدردانی کرده و برای همگان اجری بزرگ از خداوند منان خواستارم.

این اثر، قدم اولی است که این کمترین در جهت تبیین سیمای آن عزیز سفر کرده در قالب سیره و با بهره گیری از خاطرات راویان محترم برداشته و امید که آخرین نباشد و در آینده ای نه چندان دور، ادیبان فرزانه و پژوهشگران شهر من- دار المومنین سربلند- در این راستا گام های مفیدتری بردارند. از کسانی که خاطراتی در باره مرحوم جنت مکان آیت الله قاضی دارند انتظار می رود خاطرات خود را به دفتر امام جمعه دزفول ارسال نمایند تا به فضل الهی در چاپ های بعد مورد استفاده قرار گیرد. این اثر اگر قدری است از آن دیگران و چنانچه قصور و تقصیرهایی دارد، از آن مولف است.

امید که آن روح نورانی و آن آینه صفا و صداقت و صمیمیت و مهربانی و آن عالم مجاهد شجاع که حقیقتاً مجد دین بود و در ایامی کوتاه، مهمان ما خاک نشینان بود و اکنون در جوار اولیای خویش از فیوضات سالهای طولانی خدماتش به اسلام عزیز و مردم شریف و قدرشناس دزفول و بندگان خدا

بهره مند است، این اثر را به بزرگی خویش این بنده کمترین، که تا همیشه بر من سمت ارشاد و تربیت و هدایت دارد، بپذیرد و در آن سرای نورانی همه ما را از دعای خیر خویش بهره مند فرماید.

غلامعلی رجائی

آبان ۱۳۹۰ خورشیدی

www.ketab.ir

پیش در آمد

حضرت آیت الله حاج آقا سیدمجدالدین قاضی دزفولی، عالم عامل، فقیه کامل، مجاهد نستوه، فرزند مرحوم حجت الاسلام آقای سیدعبدالحسین در سال ۱۲۷۹ هجری شمسی در شهرستان دزفول دیده به جهان گشود.

خاندان جلیل قاضی همگی اهل علم و کمال بوده و جدّ اعلای ایشان، مرحوم قاضی مجدالدین، از بزرگان علمای عصر خویش به شمار می‌رفت. جدّ مادری وی، مرحوم آیت الله سیدمحمدباقر قاضی نیز از مراجع تقلید عصر خود بود.

آیت الله مجاهد، سیدمجدالدین قاضی دزفولی از چهارمهای شاخص و برجسته حوزه علم و فقهات و مبارزه در روزگار ما بود که سالهای طولانی از عمر پر برکت خویش را در خدمت به اسلام و مردم سپری کرد.

در دوران تحصیل، از محضر اساتید و بزرگانی همچون: حضرات آیات عظام، حاج آقا شیخ محمدرضا ممزی، آقا سید عبدالمهدی داعی (قاضی)، آقا شیخ میرزا محمدعلی ممزی، آقا شیخ محمد مهدی بیگدلی کسب فیض کرد.

در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی، رتبه اجتهاد و فقهات ایشان توسط آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی آقا سید علی بهبهانی اعلی الله مقامهما الشریف مورد تایید و تصدیق قرار گرفت. والده عابد و صالحه ایشان، که عقیده سادات شریف قاضی محسوب می‌شد، همواره فرزند خود را نسبت به فراگیری علوم دینی و معارف زمان خود تشویق و ترغیب می‌کرد.

آیت الله قاضی، در دوران خلع لباس روحانیت در دوره رضاشاه توانست با توجه به سطح بالای

دانش دینی در سطح عالی، لباس خود را حفظ کند و حوزه درس اختصاصی خویش را با حداقل امکانات لازم اداره نماید.

ایشان سالهای زیادی از عمر خود را صرف تعلیم و تربیت مردم متدین دارالمومنین دزفول کرد و طلاب بسیاری از مشکوه دانش نورانی وی بهره‌ها بردند. این عالم عامل، در جهت تدریس به طلاب در منزل شخصی خویش و تکفل مخارج آنان زحمات و مشقات فراوانی متحمل گردید. تربیت بسیاری از فضلا و تاسیس حوزه علمیه مرحوم آیت الله قاضی، از بارزترین موارث علمی ایشان شمرده می‌شوند. آن مرحوم در عمر مبارک خود توانست طلاب و فضلاء زیادی را تربیت نماید که هم اکنون در دزفول و مناطق دیگر موجد خدمات علمی و پژوهشی گوناگون و ارزشمندی به ایران اسلامی هستند. در دورانی که در دزفول به سال‌های حزبی معروف است، از معدود شخصیت‌های دینی و مذهبی شهر بود که علیه حاکمیت برخی از خوانین و ملاکین و به نفع توده‌های زحمتکش در جریانات سیاسی وارد شد.

هم زمان با بالا گرفتن مبارزات ملت مسلمان ایران، در دوران ملی شدن صنعت نفت، در دیدار خود با مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، مسائل و مشکلات مردم مبارز دزفول را در اثر دخالت‌های خوانین با ایشان در میان گذاشت.

از برجستگی‌های این شخصیت پاک، حضور در عرصه فعالیت‌های سیاسی از سال ۱۳۳۰ در نهضت ملی نفت و پس از آن بود که در قیام و نهضت امام خمینی (ره) در سال ۴۲ علیه رژیم پهلوی ظهور و بروز گسترده تری یافت.

آیت الله قاضی در دوران زندگی خود، همواره با رژیم جبار پهلوی در مبارزه بود. پس از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، که در جریان آن امام خمینی (ره) دستگیر گردید، در اعتراض به این موضوع با همراهی جمعی از علمای دزفول، به مدت ۳۵ روز حوزه علمیه و مساجد این شهر را تعطیل نمود و علیه رژیم بیابیه افشاگرانه ای را منتشر کرد.

آیت الله قاضی طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ در هر فرصتی که به دست می‌آورد ماهیت رژیم شاه و جنایات ابر قدرت‌ها را برای مردم افشا می‌نمود و در عین حال به ارشاد و هدایت مردم و تبلیغ احکام

عالیه شرع مقدس اسلام می‌پرداخت.

در اوج سالهای مبارزه امت اسلامی، مسجد و بیت شریف آن عالم بزرگ و وارسته کانون مبارزه و جهاد علیه رژیم طاغوت پهلوی و روحیه بخش مجاهدان انقلاب اسلامی بود.

در نخستین روزهای پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، از سوی امام خمینی (ره) به عنوان نماینده حضرت ایشان و امام جمعه دزفول، منصوب گردید که تا پایان عمر مبارک خود و بویژه در دوران سخت جنگ، هر هفته نماز با شکوه جمعه را در دزفول اقامه کرد.

با آغاز جنگ تحمیلی که دزفول، این شهر مقاوم در برابر توپهای دوربرد و موشک‌های ارتش بعث عراق مظلومانه و سرفراز مقاومت کرد، دوشادوش مردم شهر ایستادگی نمود و حاضر نشد حتی یک روز، شهری را که وضعیت آن از شدت اصابت گلوله‌های توپ تفاوتی با خطوط مقدم درگیری در جبهه نداشت، را ترک نماید.

او با حضور خود در شهر و سرکشی مقام و مستمر از رزمندگان در جبهه‌ها، به همگان روحیه نشاط و امید به پیروزی می‌بخشید. هم در این جهت بود که نوه خود، معلم بسیجی، شهید سیدبهت الله قاضی دزفولی را در عملیات رمضان تقدیم اسلام عزیز و انقلاب اسلامی کرد و همواره به این شهادت افتخار و مباهات می‌نمود.

اگر چه در سال‌های بمباران و موشک باران دزفول، لحظه‌ها، روزها و ماههای سختی بر مردم شهر و آیت الله قاضی که امام جمعه و نماینده امام (ره) در دزفول بود می‌گذشت، اما این سختیها، کمترین اثری در عزم و اراده پولادین آنان در ایستادگی و زندگی در این شهر مقاوم که افتخار آن را یافت در طول سالیان دفاع مقدس، پذیرای صدها هزار رزمنده ارتش و سپاه اسلام در اطراف خود باشد، ایجاد ننمود و هم از این جهت بود که دولت کریمه جمهوری اسلامی، در اقدامی ستودنی به پاس ایستادگی و مردانگی دزفول و دزفولی‌ها در میان تمامی شهرهای جنگی و جنگ زده در غرب و جنوب کشور، آن را شهر نمونه نامید.

زهد، علم، تقوا، قناعت، شجاعت، حسن خلق، حافظه سرشار، توجه به فقرا و دلجویی از مستمندان

را می‌توان از جمله ویژگی‌های بارز آن فقید سعید بر شمرد.

دل مطهر ایشان، گنجینه قرآن مجید و ادعیه ائمه معصومین بود که در محافل و مجالس مذهبی با نوایی حزین روح افزای اهل هر مجلس بود.

آیت الله قاضی در علم انساب از سرآمدان این علم در منطقه بود. شناخت و آگاهی های مفید و جامع از شجره و انساب خاندان دزفولی، بویژه سادات، نشان دهنده تبحر و اشراف کامل ایشان در این زمینه بود.

آن عالم مجاهد در اواخر عمر شریف خود علی رغم ضعف و ناتوانی جسمی که داشت، در کثرت هوش و توان کم نظیر فهم و حافظه، در میان امثال خود ممتاز بود.

با تمام قوا و با متانتی قابل تحسین، حد اعلای کوشش خود را مصروف خدمت به مردم می نمود و صلاح حال عموم بویژه مدیران دستگاه های دولتی را در مجالس و محافل گوشزد و همگان را به ایمان و پاکی روح سفارش و همیشه مردم را به مشارکت در کارهای خیر و عام المنفعه و رسیدگی به حال محرومان و نیازمندان و آسیب دیدگان از جنگ تحمیلی در شهر دزفول تشویق و تحریض می فرمود. در سادگی و صفای روح و بی اعتنایی به امور دنیوی در میان مردم از مقبولیت و محبوبیت خاصی برخوردار بود، زیرا دارای نفسی سلیم بود.

در خوراک و پوشاک به کم قانع و در اثر برخورداری از فضیلت زهد و مناعت طبع، از مال و متاع مردم مستغنی بود.

شهامت نفس و مناعت طبع او به اندازه ای بود که جز خانه مسکونی بهره ای از دنیا نداشت و تمامی عمر شریف خود را با کمال زهد و تقوی و صدق و صفا و بی آلایش و پرهیز تام از تجمل گرایی و زراندوزی و با نهایت عزت نفس گذرانید و چون به مال دنیا بی اعتنا بود هرگاه هدایایی برای او می رسید به نیازمندان تقدیم می کرد.

آری، هرکس بر خدا توکل کند خدا او را در کنف حمایت و عنایت خودش قرار می دهد.

مردان رهش میل به هستی نکنند خودبینی و خویشتن پرستی نکنند

هر نیم شبی که در خرابات آیند خمخانه تهی کنند و مستی نکنند

آیت الله قاضی، همچون جدش رسول الله، صلی الله علیه و آله، یک دختر بیش نداشت اما نسلی

پر مایه از وی به عمل آمد و بهره ای از شهادت هم نصیب این خاندان و نوه ایشان به نام شهید سید هبت الله قاضی شد که همچون پدر بزرگ خویش آئینه اخلاص، صداقت و تقوا بود.

نوه‌های آقای قاضی، شامل پنج دختر و دو پسر به نام‌های حجت الاسلام والمسلمین، حاج سیدمحمدعلی قاضی - امام جمعه دزفول - و سید ماجد می‌باشند.

سرانجام آن روح بزرگ که هنوز صدای مناجات و دعا و تلاوت قرآن او در فضای شهر دزفول و مساجد و محافل دینی طنین افکن است، پس از گذراندن عمری پر برکت در سیزدهم بهمن ماه ۱۳۶۴ در سن ۸۶ سالگی سبکبال و شادمان به جوار دوست پر کشید و در کنار اجداد طاهرین و اولیای خود در شهید آباد دزفول آرام و قراری جاودان یافت.

اکنون مرقد مطهر و نورانی او به عنوان قطعه ای از بهشت برین، زیارتگاه ارادتمندان و بویژه مردم شریف و متدین دزفول است.

عاش سمیدا و مات سمیدا